

ایران فردا فردا سید لیاد شعبانیه را تبریک و تهنیت می‌گوید

- نشریه از مقاله‌ها و مطالب همکاران و صاحب نظران استقبال می‌کند.
- مقاله‌های تحقیقی یا تالیفی، مستند به منابع علمی معتبر باشد.
- مقاله‌های ارایه شده لزوماً دیدگاه نشریه نیست.
- نشریه در تلخیص، اصلاح و پیراش مطالب آزاد است.
- مسئولیت صحبت مطالب بر عهده نویسنده‌گان است.
- نقل مطالب نشریه ایران فردا فقط با ذکر منبع، معجاز است.

از رئالیسم تا ایده‌آلیسم

در آستانه اولین سالگرد انتخابات سال ۹۲ و در حالی که دولت حسن روحانی، روزهای سرنوشت ساز مذاکرات نهایی با ۵+۱ را پشت سر می‌گذارد، نگاهی به مهمترین مسائل کلان و راهبردی که وضعیت سیاسی به نقطه قبل از توافق برآمده...



[۲۹]

وضعیت سیاسی
به نقطه قبل از توافق برآمده...

[۳۰]

نوبت به عزلت افراطیون رسید

[۳۱]

روابط ایران و آمریکا نمی‌تواند
تا ابد گروگان گذشته باشد
بحرجان گروگان‌گیری در سفارت آمریکا، موضوعی
است که با گذشت بیش از سی و پنج سال از
پیروزی انقلاب اسلامی ایران و درحالیکه بسیاری
از معادلات جهانی طی این سه دهه ...

[۳۲]

ادامه روند فعلی به تقویت جریان
ضد اصلاحات می‌انجامد

[۳۳]



سیاسی شدن، انسیب
حقوق بشر خواهی است

[۴۴]

سیاست

فهرست

رشد طبقه متوسط اقتصادی در سایه قدرت

نقش طبقه متوسط در جریانات سیاسی و اجتماعی
کشور همواره از سوی چهره‌های مختلف مورد مناقشه
قرار داشته است؛ از نقش این طبقه در تحولات انقلاب
سال ۵۷ گرفته تا مسائل سیاسی سال‌های اخیر. به رغم
اجماع نظر نسیب روشنگران درخصوص...



[۶]

چرا یارانه می‌خواهیم؟

[۱۲]

گرفتار رکود شده‌ایم

[۱۸]

آیا گوش شنوایی هست؟

[۲۲]

پایان دوران خرچ‌های پوپولیستی

نگاه تقریباً واحدی میان بسیاری از نظریه‌پردازان
اقتصادی و اجتماعی در خصوص دلایل سطح فساد
در جوامع مختلف با تمکن بر کشورهای در حال
توسعه وجود دارد؛ اینهادهای بد، افراد و گروههایی
که در سایه حکومت‌های سیاسی یا همان ...

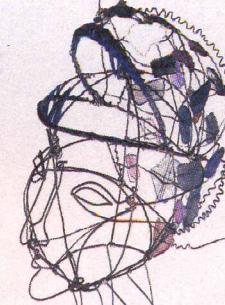
[۲۲]

فقراء بازندگان اصلی
شکست هدفمندی یارانه‌ها

[۲۶]

اقتصاد

بنام انکه
جان را
گرفت آموخت



لیان فردا

ماهانه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی
دوره جدید، شماره یک / خرداد ۱۳۹۳

صاحب امتیاز و قائم مقام مدیر مسئول:

حامد سحابی

سردییر: بدر السادات مفیدی

دبیر اجتماعی: مسعود هوشمند رضوی

دبیر اقتصادی: بهرام مهرجو

دبیر سیاسی: مسعود رفیعی طالقانی

طراح لوگو: زندیاد مرتضی ممیز

مدیر هنری و طراحی جلد: مژدک غیائی

دبیر عکس: مسعود خامسی پور

طرح روی جلد: بزرگ‌هر حسین پور

دروفچیل: آزاده اکبری

همکاران:

آرمان ذاکری، مهدی قدیمی

مولود حاجی‌زاده، سولماز ایکدر

محمد رضا عدل، نزهت امیر آبادیان

ساناز نفیسی، سمرین ظهیری

بابک ذاکری، بهنام جلالی پور، سایبر اریفعی

سحر ناز سمعانی نژاد، شادی ضابط

حمدی مسعودی، مرصاد سادات دریندی

یوسف فرهادی بابادی، امین معصومی

و محمد عالی

مدیریت چاب و نشر: رواق

آدرس: خیابان بهار، کوچه موسوی (بختیار)،

پلاک ۳

تلفکس: ۸۸۴۰۱۳۴۵ - ۸۴۹۴۳۱۲

www.iraneftardamag.com

اقتصاد

بهزاد مهرجو، مولود حاجیزاده:
نقش طبقه متوسط در جریانات سیاسی و اجتماعی کشور همواره از سوی چهره های مختلف مورد مناقشه قرار داشته است: از نقش این طبقه در تحولات انقلاب سال ۵۷ گرفته تا مسائل سیاسی سال های اخیر به رغم اجماع نظر نسبی روشنگران درخصوص جایگاه این طبقه به عنوان کنشگران اصلی مسیر توسعه سیاسی و اقتصادی، ماهیت طبقه متوسط در ایران و هژمونی آن نسبت به سایر طبقات با ابهاماتی رو بروست. علاوه بر این ها، اندازه این گروه در بطن جامعه و مقیاس آن با شاخص های جهانی تعریف شده، به ابهامات پیش رو دامن می زند. در دهه های اخیر رخدادهایی همچون: دور خرداد سال ۷۶ و مسائل مربوط به سال ۸۸ به تغییر برخی نشان داد که طبقه متوسط در حال بازیافتن جایگاه اجتماعی و سیاسی خود دارد. با این وجود طی سال های اخیر، محور بسیاری از مباحث پیرامون طبقه متوسط بر ریش و تضعیف این طبقه در جامعه متمن کرد: به ویژه از بعد اقتصادی و سیاسی انتخابات سال گذشته و حضور دوباره مردم در صحنه، برخی ساختارهای نظری و فکری مبتنی بر ریش طبقه هدف را تغییر داد. این رخداد بار دیگر اهمیت ارزیابی طبقه متوسط اجتناب ناپذیر کرد. ارزیابی گروه هدف از زاویه های مختلف به ویژه اقتصادی و اجتماعی لازمه رسیدن به نگاهی واقع بینانه تراز طبقه متوسط در ایران است: یا همین رویکرد میزگردی باحضور دو چهره اقتصادی و سیاسی ترتیب دادیم. در این میزگرد «حمدیرضا جلایی پور» و «محسن رنانی»، ضمن و اکاوی دوباره از طبقه متوسط در ایران و ارزیابی مفهومی از بر مبنای شاخص های امروز، کشش های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این طبقه در سال های اخیر را بررسی کردند.

در میزگردی با حضور محسن رنانی و حمید رضا جلایی پور بررسی شد

رشد طبقه متوسط اقتصادی در سایه قدرت





یکی از مباحثی که همواره در خصوص طبقه متوسط خیلی مورد تاکید قرار گرفته، ریزش این طبقه و تضعیف آن در خلال سال‌های اخیر است. پیش از این یک بار دکتر جلالی پور مصاحبه‌ای داشتند و در آنجا اشاره کردند که هیچ مشخصه‌ای حاکی از ریزش طبقه متوسط به سمت تهی دستان در دست نیست. در آنجا این رامطراح کرده بودید که آیا گزارشی وجود دارد که نشان دهد مثلاً ساکن یکی از مناطق نسبتاً مناسب تهران به واسطه تضعیف جایگاه طبقاتی اش به منطقه‌ای پایین تر مانند اسلامشهر رفت باشد؟ اما فارغ از موضوع ریزش طبقه متوسط، مسئله ریشه‌ای تر آن است که به رغم تمکن بسیاری از بحث‌ها پیرامون ریزش این طبقه، تحلیل و تعریفی جامع و منطبق با واقعیات ایران برای این طبقه در دست نیست.

جلالی پور: حرف من در آنجا این بود که یکسری کلیشه شکل گرفته که نمی‌توانیم دنبال آن برویم مگر اینکه آن را مستند بر شواهد کنیم، در غیر این صورت یک جنگ زرگری راهی افتاد. لذا اینکه گفته می‌شود طبقه متوسط فقیر شده یاریزش کرده باید به نحوی نشان داده شود.

من می‌خواهم در اینجا از حضور دکتر رنانی استفاده کنم و با هم‌فکری ایشان یک مقدار بحث‌ها راجع به طبقه متوسط، مدنیت و دموکراسی را در ایران بیشتر بکاویم. یک بحث اینکه وقتی در مردم رشد دموکراسی در ایران صحبت می‌کنند، یک عده در خصوص رشد حرکت‌هایی که به سوی دموکراسی متوجه می‌شود انتقاد کرده و معتقدند که خبری از چنین حرکت‌هایی در کشور نیست. می‌گویند دموکراسی در ایران زمانی به جایی می‌رسد که شهر و ندان تشکل‌ها، سازماندهی، مدیریت و رهبری داشته باشند. این عده می‌گویند از آنجا که در کشور ما این تشکل‌های فاقد سازماندهی و رهبری هستند، لذا اماز این لحظه در وضعیت خوبی قرار نداریم. حرف بنده این است که اگر اجازه داده شود تشکل‌هادر جامعه منسجم عمل کنند، به معنای آن است که دموکراسی واقعاً تحقق یافته است. لذا در آن وضعیت می‌توان به مسائل پیش‌داده دموکراسی جامعه رسیدگی کرده بپیش‌داده دموکراسی. لذا اینجا بحث راجع به اهمیت سازماندهی نیست بحث این است که وقتی از جانب حکومت و جامعه مدنی مواعظ برای سازماندهی ایجاد می‌کنند چه باید کرد. یاد مردم طبقه متوسط این بحث مطرح است؛ از یک طرف این طبقه را موتور پیش برندۀ توسعه نام ببرند اماز سوی دیگر عنوان می‌شود که اگر واقعاً چنین طبقه‌ای شکل گرفته باشد به نحوی که یک تعادل در جامعه ایجاد شده باشد، این خود به معنای توسعه است. اما وقتی لایه‌های طبقه متوسط را جستجو می‌کنیم می‌بینیم مدنیت و دگر دوستی در لایه‌های آن کسدادست. لذا خوب باید محل بحث‌هار روش کردو مفاهیمی که برای بحث‌های اکاری برمی‌اول باید دید چقدر در ایران واقعیت دارد.

● خوب می‌خواهید بحث را از همین موضوع آغاز کنیم که البته این به نوعی به اندازه طبقه متوسط جامعه ایران نیز پرمی گردد.

رنانی: من فکر می‌کنم بهتر است همانطور که شما ابتدا مطرح کردید از تعریف طبقه متوسط شروع کنیم؛ که اصلاح طبقه متوسط چیست و اندازه آن چقدر است.

جلالی پور: اگرچه در همین موضوع هم مناقشاتی وجود دارد.

● معمولاً جامعه شهرنشین را طبقه متوسط در نظر می‌گیرند.

جلالی پور: در جامعه ایران، برداشت‌های مختلفی در مورد طبقه متوسط که تقریباً یک واژه مثبتی هم است، وجود دارد. البته این برداشت مثبت چند و بیشگی دارد. طبقه متوسط طبقه‌ای است که مسائل اولیه معيشتی خودش را حل کرده و حالا فرصت یافته که به مسائل دیگری هم فکر کند؛ مثل مسائل مدنی و مسائلی که به منفعت عمومی مربوط است. طبقه متوسط مقداری از خود و خانواده‌اش فراتر رفته و مقداری به دیگری فکر می‌کند. اخیراً برخی می‌گویند طبقه متوسط باید به مسائل جهانی هم فکر کند زیرا کره زمین در خطر است. طبقه بالا به این مسائل کمتر می‌اندیشد و طبقه پایین امکانات کمی برای فکر کردن به چنین مسائلی را دارد. از سوی دیگر این گروه باید اهل ساماندهی و مشارکت مدنی باشد و از توسعه کشور در همه جوانب آن غافل نشود. انتظار این است که افراد طبقه متوسط خدمات مثبتی ارائه داده یا فعالیتی مشمر شمر در بخش تولید انجام دهند، یا خدمات موثری برای جامعه ارایه دهد و به اصلاح مفت خور نبوده و مولده باشند. این طبقه برای زندگی خودش و دیگران فکر و اقدام می‌کند. اینها به مقدار انتظار ای است که معمولاً از طبقه متوسط وجود دارد که با یک نگاه مثبت همراه است. به همین خاطر است که این طبقه را به مفاهیمی چون: مدنیت، دموکراسی، توسعه و جامعه مدنر متصل می‌کنند. به اعتقاد من، هسته اصلی

می‌کنند. انکه انگیزه تغییر دارد طبقه متوسط است که نه «چه کنم؟ چه کنم؟» روزانه فقر را دارد نه رفاه رخوت آور و انگیزه کش اغنا را. این گروه نسبت به آینده امیدوار است. سرمایه مالی و انسانی توسعه را غنی فراهم می‌کند، نیروی کار توسعه را فقر و نیروی انگیزش ندارد، پدید آورند و فکری توسعه را طبقه متوسط. این گروه مشارکت اجتماعی می‌کند و به قدرت سیاسی و نجومه توسعه آن حساس است، زیرا نیازهای متعالی شده که یکی عبور کرده و از نیازهای متعالی شده که یکی از این نیازهای متعالی هم نقد قدرت سیاسی است. این طبقه تولید از هم می‌کند؛ ایده‌های اجتماعی و در عین حال ایده‌های شخصی، مثلاً در افکار خود، در روش، در مصرف و در اطلاعاتش و در فناوری اش ایده پردازی و نوآوری می‌کند.

طبقه متوسط وارد مصرف انبوه می‌شود و در واقع به نوعی شکل دهنده مصرف انبوه است. فقرا متقاضی کالاهای صنعتی نیستند زیرا توان مالی آن را ندارند، اغناهم مصرف کننده انبوه کالاهای تولیدی و صنعتی نخواهند بود زیرا تقاضای آنها عدم تام عطف به کالاهای لوکس است. این طبقه متوسط است که مصرف کننده انبوه برای تولیدات صنایع معمولی و فناوریهای متداول خواهد بود. مجموعه اینها موجب می‌شود که یک الگوی مصرف و سطح زندگی مشخصی برای طبقه متوسط شکل بگیرد.

حالا اگر بخواهیم حجم و میزان طبقه متوسط را اندازه بگیریم مثلاً بگیریم ۶۰ درصد یا ۴۰ درصد میانی جامعه را طبقه متوسط تشکیل می‌دهند باید همان حجم موزد نظر مان را هم به دو بخش طبقه متوسط بالا و متوسط پایین تقسیم کنیم. طبقه متوسط پایین درآمدش نزدیک درآمد فقر است اما سبک زندگیش مثل اغناست. پس همین سبک زندگیش مانند فقر است. طبقه مجموعه ای ازویزگی های دیگر رانیز به این تعریف بیفزایم. مثلاً طبقه متوسط برای تغییر انگیزه مستمر دارند. نه اغنا انگیزه مستمر تغییر دارند و نه فقر، این طبقه متوسط است که چنین انگیزه‌های دارد. فقرا انقدر در گیر مسائل روزمره خود هستند که انگیزه تغییر مستمر نداشته و برای بھود وضعیت خود مشارکتی در نهادهای مدنی نمی‌کنند. اغناهم از وضعیت خود رضایت داشته و آن را حفظ

به تفاوت کشورها و تفاوت قدرت خرید پول‌ها، هیچ مقدار معینی را نمی‌توان برای همه کشورها تعريف کرد. همه تعريف، نسبی و با نگاه به گروه خاصی از کشورها تعريف شده است. به طور میانگین جوامعی که در آمدرسانه آنها بین ۱۰ هزار دلار باشد می‌شود جوامعی با طبقه متوسط گسترده هستند که از گرفتاری‌های فقر عبور کرده و می‌توانند مسیر توسعه را باسرعت مناسبی طی کنند. توجه داشته باشید که این گفته هابه آن مفهوم نیست که اگر متوسط درآمد سرانه جامعه‌ای بین ۴ یا ۵ هزار دلار باشد، آن جامعه‌ای فاق طبقه متوسط است، خیر؛ انهاب طبقه متوسط دارند اما این طبقه هنوز قوی نیست، بلوغ نیافته و گسترش نشده است. البته اینها شاخص است و در برخی موارد نمی‌تواند واقعیات را نشان دهد، چرا که به عنوان نمونه می‌توان به وسیله فروش نفت، درآمد سرانه را افزایش داد اما در عین حال جامعه به دو گروه اغنا و فقر ابتدا شود و خبری از طبقه متوسط که عامل تحول است، نباشد.

به همین علت برای ارزیابی طبقه متوسط باید ساختهای توسعه انسانی نظری، آموزش، بهداشت، مصرف فرهنگی و ... را نیز اندازه بگیریم.

جلایی پور: آقای دکتر با همین شاخص درآمد سرانهای که شما اشاره کردید فکر میکنید چه کالبدی از لحاظ طبقاتی در ایران وجود دارد؟

رنانی: گام به گام پیش برویم. من ابتدا در ادامه صحبت هایم می‌خواهم تعريف آقای دکتر جلایی پور از طبقه متوسط را تکمیل کنم. ایشان اشاره کردند که طبقه متوسط گروهی است که نیازهای معینی اش تقریباً مترفع شده و پس از آن به سمت نیازهای متعالی تر مثل مشارکت حرکت می‌کند. می‌خواهم مجموعه ای ازویزگی های دیگر رانیز به این تعریف بیفزایم. مثلاً طبقه متوسط برای تغییر انگیزه مستمر دارند. نه اغنا انگیزه مستمر

دو گروه طبقه متوسط را هم باید از یکدیگر متمایز کرد. یکی از مهترین ویزگی های طبقه متوسط آن است که حتماً با شهرنشینی شکل می‌گیرد. طبقه متوسط روسایی اسلام‌معنی ندارد آن هم در جوامعی مثل ما (در جوامع غربی) رستا به مفهوم آنچه که ما امروز داریم

به تفاوت کشورها و تفاوت قدرت خرید رنانی: مفهوم طبقه متوسط یک مفهوم کیفی است، اما هنگام شناسایی باید این مفهوم را کمی کنیم. به طور کلی برای بررسی طبقه متوسط باید چه مجموعه تغییراتی را که در ذهنیت، رفتار و عادات رفتاری، انتظارات، گفتمان، الگوی مصرف و الگوی زیست افراد داد



حالا اگر بخواهیم حجم و میزان طبقه متوسط را اندازه بگیریم ۶۰ درصد یا ۴۰ درصد میانهای مثلاً بگوییم ۶۰ درصد یا ۴۰ درصد میانی جامعه می‌دهند باید همان حجم مورد نظر مان را هم به دو بخش طبقه متوسط بالا و متوسط پایین تقسیم کنیم.

قرارت هنوز در ایران دغدغه طبقه متوسط را ندارد کمالاً یعنی که لايهای مختلف این طبقه در کشور ما بخششای خارداری هم دارد؛ بخششای ضد مدنی که باید روی این مسائل بحث کرد.

■ **آقای دکتر رنانی:** با توجه به رویکرد اقتصادی شما، این سوال مطرح است که در همین تعريف طبقه متوسط باید چه معیارهایی را مورد بررسی قرار داد. این طبقه با مفاهیم اقتصادی ای چون سطح درآمد سنجیده می‌شود یا بر مبنای برخی کش‌های رفتاری و اجتماعی؟

رنانی: بینید؛ مفهوم طبقه متوسط یک مفهوم کیفی است، اما هنگام شناسایی باید این مفهوم را کمی کنیم. به طور کلی برای بررسی طبقه متوسط باید مجموعه تغییراتی را که در ذهنیت، رفتار و عادات رفتاری، انتظارات، گفتمان، الگوی مصرف و الگوی زیست افراد را از محدوده ارزیابی قرار داد، علاوه بر اینها، تغییراتی در رابطه این گروه با قدرت و نگاهش به وضع موجود و آینده، رخ می‌دهد که آنها را از فقر او اغیامت می‌کند. اما زمانی که میخواهیم این طبقه اندازه بگیریم، مجبور هستیم یک شاخص را تعیین کرده و اندازه گیری کنیم. در این میان دم‌دستترین شاخص درآمد سرانه است که طبق برخی تعاریف، کسانی که دارای اتومبیل شخصی باشند یا کسانی که در کشورهای در حال توسعه درآمد روزانه آنها بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ دلار است و در کشورهای توسعه حدود ۸۰ تا ۱۰۰ دلار جزو طبقه متوسط قرار می‌گیرند. از نظر کلی هم وقتی جامعه‌ای درآمد سرانه اش به بالای هشت هزار دلار بر سردمی گویند به این معنی است که طبقه متوسط در این جامعه آن‌دازه قوی شده است که بتواند این جامعه را به سمت توسعه به حرکت و اداره برخورداری از این سطح درآمد سرانه و گستردگی آن به این معنای است که جامعه می‌تواند وارد فرایند توسعه شود در غیر این صورت بخش وسیعی از جامعه دچار چه کنم‌های روزانه است و توسعه شکل نمی‌گیرد.

■ **این ۱۰ هزار دلار یک شاخص مشخص و تایید شده بین‌المللی است؟**

رنانی: بینید؛ هیچ شاخص اجتماعی وجود ندارد. مخصوصاً در مورد درآمد، با توجه

مشاهده است. از این میان دو تاسه لایه وجود دارد که به گزینه های مورد اشاره آقای دکتر نزدیک است. به نظرم جامعه مدنی ای که واقعا نگران توسعه و آینده کشور است، باید به نقد همین طبقه متوجه نیز پردازد.

تخصیص بندی این هشت لایه طبقه متوضطی که اشاره کردید به چه نحوی است؟

جلایی پور: ابتدا این را بگوییم؛ انجام تحقیقاتی میدانی از این دست نیازمند منابع و امکانات است، در نبود اینها تنها کاری که می توان کرد این است که این تحقیقات را بر مبنای قرائن و شواهد انجام داد. و حرفه ای که در مورد جامعه ایرانی می زنیم، باید به نحوی با مشاهدات روزمره مان سازگاری باشد، البته این بدان معنا نیست که هر چیز را فقط باید مستقیم مشاهده کنیم. در طبقه متوضط، لایه هایی وجود دارد که برای ما در جامعه قابل مشاهده است، برخی از این لایه ها حامل عناصر مثبت طبقه متوضط و برخی واقعاً بروضد آن است. لایه نخست مربوط به طبقه متوضط است. این طبقه متوضط سنتی همان مغازه داران و فروشنده اگان هستند، البته نباید تمرکز را به سمت بازار قرار داد زیرا بازار حجم کوچکی از این لایه را در بر میگیرد.

یعنی به نظر شما در حال حاضر، کسبه و اصناف، یک طبقه متوضط سنتی هستند؟ آیا با وجود اینکه طبق آمار اعلام می شود که ضریب نفوذ اینترنت در تمام مغازه های بازار تهران به عنوان یک پایگاه سنتی، بیش از ۸۰ درصد است، میتوان این گروه را سنتی نامید؟

جلایی پور: یک زمانی تصور می شد که برای حل مشکل طبقه متوضط، اگر این گروه را به طبقه متوضط جدید و سنتی، تقسیم کنیم شاید مشکل حل شود اما نشد. احمد اشرف پیش از این طبقات جامعه ایران در دوره قاجار و پهلوی را مردار از یابی قرار داده و جامعه سنتی و جدید را بین گونه تقسیم بندی میکند که؛ طبقات سنتی یعنی شغل هایی که از قدیم وجود داشته اند. اما برای اساس شغل های جدید همچون پژوهشگان و مهندسان، اساتید دانشگاه و شغلهای جدید محسوب می شوند.

اما چطور می توان مغازه داری که

جلایی پور: یعنی مادر جامعه امروز ایران یک کالبد حدوداً ۶۰ تا ۶۵ درصدی طبقه متوضط از اینها هستند که (تحلیل ثانوی) داشتم، در کشور ما حدود ۶ تا ۷ درصد جمعیت در طبقه بالا و حدود ۳۰ درصد هم در طبقه پایین جامعه قرار دارد.

جلایی پور: من می خواهم این صحبت های آقای دکتر را ادامه داده و بگویم هم شهرنشینی و هم رشد طبقه متوضط در مجموع محصول اجرای برنامه ای نوسازی دوره پهلوی و دوره جمهوری اسلامی است. به نظرم حکومت در ایران به نوعی حامل اصلی فرآیندهای نوسازی است. ما اوایل انقلاب حدود ۲۰۰ نقطه بالای ۱۰ هزار تجمع شهری داشتیم اما در حال حاضر گفته می شود که این تعداد به ۲ هزار نقطه با تجمع شهری رسیده است. حالاروی همین طبقه متوضطی که هم اکنون در ایران به وجود آمده بحث کنیم. اینکه اگر بخواهیم از منظر کلان به موضوع نگاه کنیم، باید یک شاخص معین را ملاک قرار دهیم که آقای رئیسی همین شخص درآمد سرانه را مطرح کردد که به نظر من هم معیار قرار دادن آن می تواند درست باشد.

يعني ما در جامعه امروز ایران یک کالبد حدوداً ۶۰ تا ۶۵ درصدی طبقه متوضط داریم، ارزیابی هایی که (تحلیل ثانوی) داشتم، در کشور ما حدود ۶ تا ۷ درصد جمعیت در طبقه بالا و حدود ۳۰ درصد هم در طبقه پایین جامعه قرار می گیرند. البته اینها برآورد های اجمالی و آزمایشی است. یکی از مهمترین مشکلات ما در ایران این است که باوجود امکانات، منابع مالی و خیلی فارغ التحصیلان در کشور، آمار و برآوردهای دقیقی از اندازه خیلی چیزهای مهم از جمله اندازه طبقات جامعه وجود ندارد. ما به درستی نمی دانیم که اندازه هر طبقه اجتماعی ما چه میزان از کل جمعیت کشور است. اغلب برآوردهای موجود در این خصوص بر اساس یکسری شواهد و قرائن است که به واسطه همین امر، دامنه اختلافات آماری ارائه شده در این زمینه بسیار زیاد است. امروز به رغم گذشت حدود ۳۵ سال از انقلاب، هنوز نمی دانیم که جامعه ما به لحاظ آرایش طبقاتی در چه شرایطی است.

بلکن دیگر، حال حرف من این است که ما یک طبقه متوضطی داریم ولی لایه های این طبقه متوضط طوری است که از آن توقعی که از طبقه متوضط هست، دوراست. لذا مانند که به طبقه متوضط توجه می کنیم، حدود هشت لایه مختلف را در قالب همین طبقه قابل نمی شوند.

مفهومی نیارد)، بنابراین شهرنشینی لازمه شکل گیری طبقه متوضط است.

این مجموعه عوامل موجب می شود که گمان بنده این طبقه با معنای خاص خود در ایران، بعد از اصلاحات ارضی شروع به شکل

گرفت کرد. تا پیش از اصلاحات ارضی بخش اعظم اقتصاد ایران کشاورزی و بخش بزرگی از جمعیت ایران روستائی شوند بود. البته جامعه

مدرن بعد از مشروطیت شروع به شکل گیری کرد و دولت مدرن با روی کار آمدن رضا شاه تقریباً پیدا شد.

اما در همان دوران رضا شاه، طبقه متوضط هنوز خیلی کوچک بود. بعد از

اصلاحات ارضی بود که طبقه متوضط شروع به گسترش کرد که مهمترین اقدامی که در

اصلاحات ارضی صورت گرفت این بود که نیروی کار وابسته به زمین، از زمین آزاد شد. این گروه زمینهای خود را فروخت و به

شهر آمد و تبدیل به کارگر کارخانه ها شد. فرزندان آنها مهندسان کارخانه شدند و نوه هایشان بخش خدمات را گسترش دادند.

یعنی همان نیروی کاری که از روستا به شهر مهاجرت کرد، آرام آرام طبقه متوضط را شکل داد. بنابراین باید بگوییم که طبقه متوضط به

نوعی به توسعه شهری و توسعه صنعتی وابسته است.

این مجموعه عوامل طبقه متوضط را در ایران شکل می دهد.

اخيراً مرکز آمار اعلام کرد که ۱۸ درصد اشتغال کشور در بخش کشاورزی است. بر اساس تعریف شما می توانیم بگوییم که این ۱۸ درصد به طور خالص نمی تواند جزو طبقه متوضط مباشد؟

رنانی: بخشی از این کشاورزی، کشاورزی مدرن است که شهری ها آن را در شیلات که می کنند. مثلاً پرورش آبزیان در شیلات که بخش بزرگی از کشاورزی محسوب می شود امادر عین حال صنعتی مدرن است که اصولاً شهری ها آن را اداره می کنند. یا گلخانه های بزرگ، اینها جزو بخش کشاورزی هستند اما مدیرانش شهری ها هستند. اگر بتوان کشاورزی روستایی را در این آمار تفکیک کرد، به صراحت میتوان گفت که آن بخش

مشخص جزئی از طبقه متوضط محسوب نمی شوند.



به نظرم حکومت در ایران به نوعی حامل اصلی فرآیندهای نوسازی است. ما اوایل انقلاب حدود ۲۰۰ نقطه بالای ۱۰ هزار تجمع شهری داشتیم اما در حال حاضر گفته می شود که این تعداد به ۲ هزار نقطه با تجمع شهری رسیده است.

خودمانی سازی در اختیار می‌گیرند. این که در سال‌های گذشته از هولوینگ‌های اقتصادی برگ دفاع می‌شد، قصد این بود که یک لایه طبقه متوسط خود را ایجاد شود.

متاسفانه در خصوص اندازه این لایه نمی‌توان عدد و رقمی ارائه داد اما می‌توانید آنرا به وضوح در جامعه بینید. این طبقه دارد به لحاظ قدرت اقتصادی، نقش تازه‌ای پیدا می‌کند. البته این روند خودش دو پیامد ناخواسته دارد یکی فرزندان آنها حاملان آن انتظارات موردنظر هسته قدرت را بر اورده نمی‌کنند. دیگر اینکه این نوع ایجاد فضاهای رانی به فساد ساختاری در سیستم کمک می‌کند.

رنانی: یکی از داشتجویانم که در بورس فعال است، عنوان می‌کرد که طبقه برآوردهای انجام شده نزدیک به نصف مالکیت سهام بورس متعلق به چند نهاد خاص است. در واقع نصف ارزش بورس کشور در دست اینهاست.

جلایی پور: بله یک قشری به همین ترتیب در حال شکل گیری است که اسمش را طبقه متوسط در دست گذاشتیم، یعنی نه طبقه متوسطی است که حامل ارزش‌های مدنی و برابری خواهانه طبقه متوسط باشد و نه طبقه متوسط سنتی (که صبح تاشی باشد) پایه است.

جلایی پور: در دست چه کسانی؟

رنانی: در دست چه کسانی؟

جلایی پور: در دست هسته اصلی قدرت. یعنی هسته اصلی قدرت می‌خواهد این لایه طبقه متوسط باشد ولی توزی دست خودش باشد و لزوماً حامل تقاضای مدنی و مردم سalarانه نباشد. هسته اصلی قدرت بخش قابل توجهی از منابع اصلی ثروت را در اختیار دارد و در عین حال نیازمند پایگاه‌های مدیم است. بعد از انقلاب اسلامی، مردم برای تمام جناح‌های سیاسی به رکنی مهم تبدیل شدند، حالاً کاری نداریم که اینها به چه نحوی با مردم ارتباط برقرار می‌کنند. هسته اصلی قدرت به طبقه متوسط و جدید و مثبت که در لایه‌های بعدی به آنها اشاره می‌کنم، اعتماد ندارد زیرا معتقدند در صورت تقویتشان، ممکن است برای حکومت مشکلاتی به همراه آورند. لذا حکومت نیازمند یک طبقه متوسط در دست است که وفادار بماند. این گروه را شامل افرادی می‌دانم که منابع و امکانات کشور را تحت عنوان خصوصی سازی یا همان

ستی گروهی است که در جریان انقلاب اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کرد. همین گروه بعد از انقلاب در بخش‌های مهم حکومت حضور یافت و حکومت با آنها به مشکل برنخورد، اما با این وجود حجم این طبقه مقداری کوچک شده است. من در یک

تحقیق میدانی با حدود ۵۰ مورد از این افراد طبقه متوسط سنتی مغازه دار صحبت کردم و از آنها نیز گرفتم. نکته مشخص در بین اغلب این‌ها، وجود تفرد و بدینی میانتسان است امور عمومی را خیلی توطه می‌دانند. این گروه در عین حال ستون و یکی گاه هسته اصلی قدرت در کشور و هسته اصلی قدرت سیاسی است. بخشی از این گروه جمعیتی، مخصوصاً طبقه متوسط سنتی بالا، در سازماندهی و ایدئولوژی گروه محافظه‌کار ایران سامان‌بای شده‌اند. اما اینکه برخی فکر می‌کنند اینها مشکل و منسجم هستند، اینگونه نمی‌ست.

لایه دوم؛ به لحاظ یافتن نقش در توزیع منابع رانی اثرگذار هستند (و با لایه هفتمن کمی هپوشانی دارند): این گروه در حال قدرت یافتن در حوزه اقتصادی و چه بسادر سایر حوزه‌های استند. من این‌لایه را طبقه متوسط در دست گذاشتیم.

لایه دوم؛ به لحاظ یافتن نقش در توزیع منابع رانی اثرگذار هستند (و با لایه هفتمن کمی هپوشانی دارند): این گروه در حال قدرت یافتن در حوزه اقتصادی و چه بسادر سایر حوزه‌های استند. من این‌لایه را طبقه متوسط در دست گذاشتیم.

لایه دهم؛ به لحاظ یافتن نقش در توزیع

شواهد گاهش حجم طبقه متوسط سنتی به ۳۸ درصد کل طبقه متوسط تغییر مهی محسوب می‌شود چرا که همین طبقه سنتی گروهی است که در جریان انقلاب اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کرد

جلایی پور: بر مبنای شواهد گاهش حجم طبقه متوسط سنتی گروهی است که در جریان انقلاب اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کرد

جلایی پور: یا مثلاً همان خانواده‌ای که آقای دکتر اشراه کردند که اینها می‌توین را در اختیار دارند، در نظر بگیرید. بینید که آن فرد با وجود اینها می‌تواند طبقه متوسط سنتی، منظورشان اینها در اختیار آنها نیست.

جلایی پور: یا مثلاً همان خانواده‌ای که

دستگاه کارت خوان دارد، با اینترنت سروکار دارد و در منزلش ماهواره دارد را با همین تعريف آقای اشرف سنتی خواند؟ جلایی پور: خب باید بینیم با ورود این اینزارها چه تعییری در ارزشهاز زندگی آنها یجاد شده است.

رنانی: به نظرم باید توجه کرد که فناوری همچون بک مثیث است که یک ضلع آن ایزار، ضلع دیگر آن داشش و سومین ضلع آن روشهای و سازوکارهای است. باید مدرنیزاسیون زندگی را زمانی و مدرنیزاسیون زندگیش، در ذهنش زیانی واقعاً شکل می‌کرد که همزمان با نوسازی و مدرنیزاسیون زندگیش، در ذهنش نیز نوگرایی و مدرنیتی شکل بگیرد، یعنی طبقه‌ای که آمادگی تحمل و پذیرش مدرنیته را داشته باشد. آن‌طبقه‌ای که شما اشاره کردید که می‌گویند در مغازه خود دستگاه کارت خوان دارد و در خانه ماهواره، آیا توانایی و پذیرش مدرنیته در ذهنش را هم دارد؟ اگر دارد می‌توانیم بگوییم که این گروه مدرن شده، در غیر اینصورت با وجود برخورداری از ابراهای مدرن، آنها همچنان سنتی هستند. بنابراین زمانی که می‌گویند طبقه متوسط سنتی، منظورشان اینها در اختیار آنها نیست.

جلایی پور: یا مثلاً همان خانواده‌ای که آقای دکتر اشراه کردند که اینها می‌توین را در اختیار دارند، در نظر بگیرید. بینید که آن فرد با وجود اینها می‌تواند طبقه متوسط سنتی گاهش حجم طبقه متوسط زمانی کرد اما طبقه متوسط زمانی کارکرد توسعه‌ای خواهد داشت که مولد سرمایه اجتماعی باشد. هنچار پذیر باشد، تشکل ایجاد کند، به مسائل پیرامونی حساس باشد، نقد اجتماعی کند، نگاه اجتماعی داشته باشد و مسائلی از این دست.

رنانی: روی این برآورده که در مورد حجم طبقه متوسط سنتی اشاره کردید پژوهشی انجام شده؟

جلایی پور: این را بر مبنای شواهد می‌گوییم (انشاء الله مقاله مربوط به آن را چاپ می‌کنم)، به نظرم گاهش حجم طبقه متوسط سنتی به ۳۸ درصد کل طبقه متوسط تغییر مهمی محسوب می‌شود چرا که همین طبقه



L

طبقه متوسط بالا و پایین؛ حال باید واژگانی ایجاد کرد که در برگیرنده لایه‌های این ۶۰ درصد طبقه متوسط باشد.

اما لایه ششم؛ همان تولیدکنندگانی هستند که متساقنه در هشت سال اخیر به شدت ضریب خوردن. بدون شک کیفت کار و تولید، روی شخصیت آنها تاثیر می‌گذارد. در میان بسیاری از افرادی که در شهرک‌های صنعتی مختلف مثل شهرک‌های اطراف تهران حضور داشته و فعالیت تولیدی انجام می‌دهند، افرادی منصف، به چشم می‌خورند که نه تنها به خود بلکه به دیگری هم فکر می‌کنند. درست برخلاف آن بورژوازی مستغلات، برخی از استعدادها و نیروی فعال کشور که در دانشگاه‌ها تحصیل کردن، زیر دست این گروه رشد کرده یا می‌کنند، افراد این لایه بیشتر حامی مدنیت هستند، انتخابات برایشان مهم است و عمدتاً مسائل سیاسی را تعقیب می‌کنند. این‌ها به واقع می‌توانند معکس کننده طبقه متوسط باهمان برآمیش باشند. برغم انکه نمی‌توان وزن و حجم این گروه را نیز مشخص کرد اما به اعتقاد اغلب کارشناسان و متخصصان، این قشر تولیدکنندگانی در سال‌های اخیر تضعیف شده است و چشم‌شان به کار بورژوازی مستغلات یا واردات‌های آنچنانی است.

لایه هفتم؛ یک لایه قابل توجه را شامل می‌شود که من اسم آن را لایه رانی و کارچاق کن گذاشته‌ام. این گروه مهارت دارد اما نه مهارت در تولید یا خدمات، مهارت‌شان در کارچاق‌کنی برای بخش‌های مختلف جامعه در رابطه با قدرت است. این طبقه از لحاظ اقتصادی تامین شده و حتی استعداد آن را دارد که به طبقه بالای جامعه منتقل شود. اینها در لایه‌ای مردم هستند. تلوں در میان آنها قابل رویت است. شما در روابط اجتماعی با آنها نمی‌دانی باکی طرفی.

با این حساب این گروه باید جزو طبقه متوسط منطقی قرار گیرد.

جلایی پور؛ بله، منفی هستند. و لایه هشتم؛ آن لایه‌ای است که متساقنه در سال‌های اخیر با مشکلات روپرورد شده است، اینها افرادی هستند که از طریق فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و هنری معیشت خود را تامین کرده و زندگی‌شان را

رنانی: اگر کل طبقات جامعه را تقسیم‌بندی کنیم، باید این‌گونه عنوان کرد که؛ طبقه بالای جامعه حامل سرمایه اقتصادی است. طبقه متوسط نیز باید مولد و حافظ سرمایه اجتماعی باشد. طبقه متوسط در سال‌های اخیر به نوعی کارکرد سرمایه انسانی اش را انجام داده

فروشگاه‌های کارت می‌کشدند. افرادی با این ویژگی را طبقه متوسط میدانند؟ آخر کسی که پورشه سوار شود و به قول شما در فروشگاه‌ها میلیونی خرید می‌کند، چطور طبقه متوسط به حساب می‌آید؟

جلایی پور: بله، طبقه متوسط است، اما طبقه متوسط بالا و لو طبقه بالا کسانی هستند که به طور دائمی بیش از ۲۰ میلیون تومان در آمد ماهانه دارند.

اگر از منظر اقتصادی و براساس شاخص درآمد سرانه‌ای که دکتر رنانی هم اشاره کرده، به این موضوع نگاه کنیم، قراردادن افرادی با چنین ویژگی‌ها در قالب طبقه متوسط اند که سخت است.

جلایی پور؛ این بورژوازی مستغلات تنها مشخصه‌اش پورشه نیست. در واقع لایه‌ای از طبقه متوسط است که پول خوبی کسب می‌کند و توانایی اقتصادی بالایی دارد. فردیت این لایه دگر خواهانه نیست خیلی خود خواهان است. نکته مثبت که در این گروه دیده می‌شود این است که شاخص‌هایی همچون سواد و تحصیلات و همچنین بهداشت برایشان دارد این‌ها می‌باشد. نکته مشترک این لایه با سایر لایه‌ها آن است که نمی‌توان برایشان وزن و سهم صریحی از کل طبقه متوسط تعیین کرد. مردم سalarی و مدنیت زیاد برای اینها دغدغه نیست وضع پچه‌های اینها نیست، مثلاً برای هنر پول خرج می‌کنند.

یک مسئله‌ای که در این لایه مورد نظر است، اینکه در تقسیم‌بندی آنها تها بخشی از معیارهای طبقه متوسط لحاظ شده در حالی که فکر می‌کنم طبقه متوسط را طبق گفته‌های قبلی گروه مشخصی داشت که علاوه بر عبور از نیازهای معیشتی، از لحاظ کنش فردی و اجتماعی و شاخص‌های فرهنگی نیز تفاوتی با سایر طبقات داشته باشد. آیا یک طیف تناها به واسطه برخورداری از یک یا حداقل دو ملاک، می‌تواند طبقه متوسط خطاب شود؟

جلایی پور؛ بالاخره باید به نحوی اینها را از یکدیگر تفکیک کرد، شاید بعدها تقسیم‌بندی‌های گران‌قیمت را سوار می‌شوند رنانی ابتدا یک بحثی را مطرح کرد و گفتند

سمت دوزیستی حرکت می‌کند. در عین حال و در مجموع طبقه متوسط اداری به نوعی ابزار هم هست، یعنی برخی اقدامات ناعادلانه و غیراخلاقی را هم اجرای می‌کند. این بوروکراسی بخشی از ابزار هسته اصلی قدرت در ایران است.

لایه چهارم؛ که بخش واقعاً مهم است، صاحبان حرفة‌ها و خدمات را شامل می‌شود، مانند افرادی که بیمارستانها را اداره می‌کنند یا مهندسان و... جامعه به این گروه نیازمند است و به همین خاطر هسته اصلی حکومت مقداری هوایشان را دارد. هر چند که اینها نیروی رامی برای هسته قدرت نیستند. این لایه بیشتر از حاکمیت قانون، مشارکت سیاسی و رفاتهای مدنی دفاع می‌کند و از حکومت و از احزاب انتظاراتی دارد. می‌توان گفت اینها حامیان خیر عمومی هستند. این لایه‌ای بخشنایی مثبت طبقه متوسط محسوب می‌شود اما واقع‌نمی‌دان و زن آنها در این ۶۵ درصد طبقه متوسط به چه میزان است!

لایه پنجم؛ رامی تواییم به همراه آقای دکتر اطهاری بورژوازی مستغلات نامگذاری کنیم یعنی کسانی که با زمین و فروش ساختمان (نه مهندسانی) که ساختمان‌ها را می‌سازند) سروکار دارند. البته افرادی که در حوزه ساخت و ساز فعال هستند، به نوعی مثبت تلقی می‌شوند اما این عده مورد نظر از محل خرید و فروش زمین و ساختمان کسب درآمد کرده‌اند. در سال‌های اخیر به دنبال افزایش آنودگی هوا، بخشی از جمعیت شهرهای بزرگ به سمت روستاهای و مناطق بی‌لاقی اطراف شهرهای فرتند. به دنبال اتفاقاتی از این دست، قیمت زمین و مسکن در روستاهایی از این دست دست به یکباره افزایش یافت. این امر منجر شد تا درون دگان این زمین‌های روستایی با فروش زمین‌های چند هکتاری خود به دارایی‌های کلانی دست یابند. و می‌توان از یک بورژوازی مستغلات روستایی هم سخن گفت. به این ترتیب می‌توانم بگویم که یک می‌تواند طبقه متوسط از شکل گرفته که همین بورژوازی مستغلات شود.

جلایی پور؛ مصرف کنندگان بزندها هستند از همین‌ها هستند که (به همراه اعضای طبقه بالا) اینها های گران‌قیمت را سوار می‌شوند این گروه همان‌ای هاستند که به راحتی در

دام یارانه



جلایی پور؛ بورژوازی مستغلات تنها مشخصه‌اش پورشه نیست. در واقع لایه‌ای از طبقه متوسط است که پول خوبی کسب می‌کند و توانایی اقتصادی بالایی دارد. فردیت این لایه با سایر لایه‌ها آن است که نمی‌توان وزن و سهم صریحی از کل طبقه متوسط تعیین کرد. مردم سalarی و مدنیت زیاد برای اینها دغدغه نیست وضع پچه‌های اینها نیست، مثلاً برای هنر پول خرج می‌کنند.

جلایی پور؛ بالاخره باید به نحوی اینها را از یکدیگر تفکیک کرد، شاید بعدها تقسیم‌بندی‌های گران‌قیمت را سوار می‌شوند رنانی ابتدا یک بحثی را مطرح کرد و گفتند



حکومت است، این گونه کارکرده اندارد. با توجه به گستردگی و رشد حجم دولت در سال های اخیر، به رغم اجرای سیاست های مربوط به خصوصی سازی، بخش های اقتصادی کارکرد سرمایه اجتماعی اش باز مانده است. یعنی رفتار طبقه متوسط همانطور که اما عملاً منافع شان با حکومت یکی است.

این ها چون گروه های فاقد هویت حقیقی اجتماعی اند نمی توانند بر فرآیندهای حقیقی اجتماعی هم اثر ماندگاری بگذارند یعنی نمی توانند هنجار آفرین باشند.

● می توان کارمندان دولت را از این دست داشت؟

رنانی: بله. در حال حاضر ما دستکم ۵۰ میلیون نفر شاغل بخش عمومی (شامل کارمندان و نیروهای نظامی و بخش های کارگران) نیز اینها نظمامی و بخش های اقتصادی را از طبقه متوسط غیر متصل به نمی توان بخش وسیعی از انتظاری که از طبقه متوسط داریم، از این گروه داشته باشیم. از سوی دیگر در طبقه متوسط غیر متصل به دولت، برغم تقسیم بندهای آقای دکتر، می توان یک تقسیم بندهای دیگری شامل؛ مدیران، سرمایه داران، کارشناسان و تکنسین ها، خویش فرمایان بخش خدمات و بعد کارگران و حاشیه نشینان و روستاییان، داشت. خب

کارگران، حاشیه نشینان و روستاییان یک طبقه را تشکیل می دهند و سرمایه داران طبقه دیگر را در این میان می ماند مدیران، خویش فرمایان و کارشناسان و تکنسین ها که طبقه متوسط مستقل از دولت و حساس را تشکیل میدهند. اگر نگاه کنید، ملاحظه می شود که تقریباً همه اینها طبقه متوسط هستند اما در میانشان آنها باید که واقعاً شرایط لازم برای قرار گرفتن در طبقه متوسط را دارد، بخش کوچکی از آن مجموعه را شامل می شوند.

نکته دیگر انکه باید میان طبقه متوسط اقتصادی و اجتماعی تفکیک قائل شد، قاعده تا فراد ابتدا وارد طبقه متوسط اقتصادی می شوند و بعد از آن به طبقه متوسط اجتماعی می پیونندند. در حال سال های اخیر ما شاهد رشد سریع طبقه متوسط اقتصادی بودیم اما در عین حال رشد طبقه متوسط فرهنگی ما کند بوده است. این امر بیانگر آن است که طبقه متوسط اقتصادی به تناسب از آنجا که بخشی از طبقه متوسط مامتصل به

جامعه حامل سرمایه اقتصادی است. طبقه متوسط نیز یاد مولو حافظ سرمایه اجتماعی باشد. طبقه متوسط در سال های اخیر به نوعی کارکرد سرمایه انسانی اش را نجات داده اما از انجام کارکرد سرمایه اجتماعی اش باز مانده است. یعنی رفتار طبقه متوسط همانطور که

آقای دکتر توضیح دادند مثل فقراء، مخرب سرمایه اجتماعی بوده است. این گروه، مولد سرمایه انسانی بوده، دانشگاه رفته، درس خوانده، مدرک گرفته اما متناسب با ان، رفتار اجتماعی اش تغییر نکرده است. اگر طبقه متوسط بخواهد کارکرد تاریخی و اصالت خود را داشته باشد باید مولد، حامل و حافظ سرمایه اجتماعی باشد، به عبارتی هنجار آفرین باشد.

در بحث ثبت نام هدفمندی که به آن اشاره شد، خب بدون شک طبقه متوسط انقدر به لحظ اقتصادی تحریب نشده که نتواند بدون یارانه زندگی کند. کماینکه به نظر می رسد آن ۲۵ میلیون نفری هم که انصراف دادند، بخشی از اینها بودند. به مفهوم عام می توان گفت که در این جریان طبقه متوسط وجود داشت اما انصراف خودداری کرد. که باید تحلیل کنیم که چرا چنین بوده است.

جلایی پور: اما آقای دکتر من تصویر می کنم که اتفاقاً این ۲۵ میلیون نفر، اینها بودند، بلکه همین طبقه متوسط مثبت بودند.

رنانی: یعنی روش فکران و گروه هایی از این دست افراد؟

جلایی پور: دقیقاً نمی دانم اما اینطور به نظر می رسد. البته باید روی این مسئله کارشود که دقیقاً چه کسانی از یارانه انصراف دادند و پولدارها که انصراف ندادند چه کسانی بودند. اگر بتوان چنین تحقیقی انجام داد ارزیابی ما هم از لایه های طبقه متوسط دقیق تر می شود.

رنانی: موضوع اصلی آن است که در ایران

تئوریسین های جریان نولبر ایل، سعی می کنند با پنهان کردن «بدنولوژی» خود زیر نقاب بیطوفی «علمی»، ارزیابی خود را همچون تنها بدیل ممکن و راه برون رفت از بحران جلوه دهنده

اداره می کنند. در واقع این لایه یک پتانسیل تولید مدنی و مردم سالارانه قادر تند دارد اما اینها هم با مشکلاتی روبرو شدن و متأسفانه دارند بازاری عمل می کنند. هسته قدرت به هنر خلاق اعتقاد ندارد دوست دارد این لایه را بخرد.

حالا با شرح این لایه های طبقه متوسط، می خواهیم این را بگوییم که وقتی داخل این طبقه در صدی مشویم، ملاحظه می کنیم که هم اینها یک دست مدنی نیست. البته باید این را در نظر داشت که خود برخورداری جامعه ما از یک کالبد معیشتی حدواده ۶۰ درصدی طبقه متوسط خودش پیشرفت و خوبیه (مثلًا الان افغانستان همین کالبد را ندارد). اما حرف من این است که همه لایه های آن مدنی نیست و لزوماً با توسعه و مدنیت همراه نیست.

اخیراً دکتر رنانی موضوع ثبت نام هدفمندی را به عنوان شاخصی برای وضع توسعه در نظر گرفته بودند که به نظرم این حرف سنگین بود.

همانطور که گفته شد؛ طبقه متوسط لایه های مختلفی دارد که همین امر موجب عدم تحقق انتظارات دولت از این طیف شده است. به عنوان مثال، همین مردم خرداد ماه سال قبل به آقای روحانی رای دادند اما مازمانی که همان دولت دریافت یارانه ثبت نام نکند، انتظار این بوده ۵ میلیون از طبقه متوسط ثبت نام نکند ولی دولت راه مهراهی نکردن. گفتم لایه های کالبد طبقه متوسط با علاقانیت سود محور کار می کند و به منافع شخصی و کوتاه مدت نه منافع عمومی توجه می کند. به دنبال مسائلی از این دست باید نشست و برسی کرد که واقعادردن طبقه متوسط ایران چه خبر است. این مسئله باید برای دولت و حکومت نیز مهم باشد؛ حکومت باید بداند که بدنده جامعه ایران چگونه است. البته مردم هم باید بدانند در لایه های حکومتی چه خبر است که این موضوع بحث فعلی مانیست.

● نظر شما در مورد لایه های طبقه متوسط و مباحثی در این خصوص که دکتر جلایی پور مطرح کردند، چیست؟

رنانی: اگر کل طبقات جامعه را تقسیم بندي کنیم، باید این گونه عنوان کرد که؛ طبقه بالای



طبقه متوسط لایه های مختلفی دارد که همین امر موجب عدم تحقق انتظارات دولت از این طیف شده است. به عنوان مثال، همین مردم خرداد ماه سال قبل به آقای روحانی رای دادند اما مازمانی که همان دولت دریافت یارانه ثبت نام نکند، انتظار این بوده ۵ میلیون از طبقه متوسط ثبت نام نکند ولی دولت راه مهراهی نکردن. گفتم لایه های کالبد طبقه متوسط با علاقانیت سود محور کار می کند و به منافع شخصی و کوتاه مدت نه منافع عمومی توجه می کند. به دنبال مسائلی از این دست باید نشست و برسی کرد که واقعادردن طبقه متوسط ایران چه خبر است. این مسئله باید برای دولت و حکومت نیز مهم باشد؛ حکومت باید بداند که بدنده جامعه ایران چگونه است. البته مردم هم باید بدانند در لایه های حکومتی چه خبر است که این موضوع بحث فعلی مانیست.

● نظر شما در مورد لایه های طبقه متوسط و مباحثی در این خصوص که دکتر جلایی پور مطرح کردند، چیست؟

رنانی: اگر کل طبقات جامعه را تقسیم بندي کنیم، باید این گونه عنوان کرد که؛ طبقه بالای



فکر کردن را داشته باشد. در صورتی که من بتوانم به منافع خودم فکر کنم، در مرحله بعدی توافق اجتماعی را هم تحلیل کنم. اول باید ابزار محاسبه را به فرد داد و او را نسبت به موضوعات اجتماعی حساس کرد. بنابراین طبقه متوسط اقتصادی پیش زمینه ایجاد طبقه متوسط فرهنگی است و همین تجربه محاسبه گری اقتصادی باعث می‌شود که در مورد تضمیمات قدرت سیاسی هم محاسبه گر ظاهر شود. ممکن‌بیم طبقه متوسط اقتصادی باید بایک نرخ متناسب، به طبقه متوسط فرهنگی تبدیل شود تا به این ترتیب پرسوهه توسعه شکل بگیرد. اما به واسطه این بی‌ثباتی‌ها، تنش‌ها و عدم اطمینان‌هایی که در نظام مابرقار است، نرخ تبدیل طبقه متوسط اقتصادی به فرهنگی کند شده است. زیرا تورم، بی‌ثباتی و عدم تمکن دولت به قانون، موجب شده که اخلاق عمومی زایل شود. تورم، اخلاق را از بین می‌برد و بی‌ثباتی؛ تورم را افزایش می‌دهد پس این مورد یعنی بی‌ثباتی هم، به نوبه خود، اخلاق را از بین می‌برد. از سوی دیگر عدم تمکن دولت به قانون نیز اخلاق را تحت الشاعر قرار می‌دهد. این موادر دست به دست هم می‌دهند و اخلاق عمومی را زایل می‌کنند. به این دلایل نرخ تبدیل طبقه متوسط اقتصادی به طبقه متوسط فرهنگی کند و یا حتی منفی شده است.

جلایپور: می‌توانیم اینگونه بگوییم که اخلاقی زیستن در ایران گران شده است.

رنانی: کاملاً این حرف درست است.

جلایپور: ... و در جامعه‌ای که اخلاقی زیستن گران شود، نظام سیاسی اش هم پر هزینه اداره خواهد شد، همانطور که نظام سیاسی ما بسیار پر هزینه است.

رنانی: اگر شما یک جامعه اخلاقی داشته باشید؛ راندگی هم در آن اخلاقی است، بنابراین شما دیگر به نصب سرعتگیر در خیابان‌ها نیاز ندارید. در حال حاضر هزاران سرعتگیر در خیابان‌های تهران وجود دارد که نصب هر کدام از اینها به هزینه‌ای حدود دو میلیون تومان نیاز دارد. اینها همه هزینه است. امروز کترل بسیاری از مسائل برای نظام پر هزینه شده است. همه چیز را باید کترل کند که این کترل ها نیازمند صرف پول است.

جلایپور: نه به نظر من در ایران وجود دارد؛ خانواده قلب نامرئی ایران است. می‌شود حدس زد حدود ۲۵ درصد خانواده‌های ایرانی را خانواده‌های مدنی تشکیل می‌دهد. البته تفاوت‌هایی در تعریف طبقه متوسط مطرح شد اما به رغم همه زندگی خود را وقف دیگری و فرزندانشان می‌کنند که به نظرم این واقعه مثبت است.

حدود ۲۵ درصد خانواده‌های مدنی چنین هستند، حدود ۱۰ درصد خانواده‌های مرد‌سالار داریم و جالب اینکه چیزی نزدیک به ۵۰٪ درصد خانواده‌های ترکیبی داریم که به تناسب بهبود وضعیت اقتصادی شان، به سمت خانواده‌های مدنی حرکت می‌کنند. این تحولات باید در خانواده‌ایرانی بر جسته شده و مورد توجه قرار گیرد، اما تمسیح‌دانشان را همانطور که اشاره کرد خود شکل گیری کالبد اقتصادی طبقه متوسط هم یک اتفاق نمی‌افتد. اگر قرارت درست و کیفی جمعیت کشور را باید شود حاملان واقعی آنها خانواده‌های مدنی هستند ولی هسته قدرت تا حالا دنبال طبقه متوسط تو دست بوده.

● یعنی به اعتقاد شما همزمان با بهبود وضع اقتصادی، خانواده‌ها به سمت قلب

نماینی حرکت می‌کنند؟

جلایپور: من فکر می‌کنم خانواده‌های طبقه متوسط زمانی که مشکلات معیشتی‌شان حل می‌شود، شرایط اخلاقی ترشدنشان فراهم ترمی شود، با هم مشورت می‌کنند، تقسیم کار بین زن و مرد عادلانه تراست، اختلافهای خود را بصورت مدنی حل می‌کنند و ... در مجموع اینها تبدیل به یک خانواده‌مدنی می‌شوند.

● آقای رنانی نظر شما در این خصوص چیست؟ آیا شما هم معتقدید به تناسب بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها، آنها لزوماً مدنی یافرهنگی ترمی شوند؟

رنانی: هرگونه توسعه‌ای مستلزم یک رشد است، رشد یک مفهوم کمی قابل محاسبه، بیرونی و قابل مشاهده است اما توسعه کیفی است. هرگونه رشد کمی مستلزم محاسبه گری، عقلانیت و تصمیمات بهینه است و برای اتخاذ تصمیمات بهینه نیز باید تمرین کرد تا بتوان همه چیز را عقلانی دید. بنابراین شما چاره‌ای ندارید جز اینکه در یک دوره زمانی، عقلانیت ابزاری را ترویج کنید. برای تحقق این امر ابتدا فرد باید توافقی عقلانی

کوچک و ناچیز می‌دانند، در عین حال دکتر جلایپور معتقدند که حدود ۶۰ درصد جامعه ایران را طبقه متوسط تشکیل می‌دهد. البته تفاوت‌هایی در تعریف طبقه متوسط مطرح شد اما به رغم همه این مسائل واقعاً حجم این قشر در جامعه امروز ایران چقدر است؟

جلایپور: حقیقت من مدعی است که به دنبال این هستم که متوجه شوم، این مدنی‌ها چقدر هستند، اما به طور مشخص و دقیق آغاز می‌شود این گروه کوچک سریعتر برآورده و وجود ندارد که مشخص کند حجم نیروهای مدنی این کشور چقدر است. البته من گفتم وابن را تاکید می‌کنم که دیدم نسبت این تحولات باید در خانواده‌ایرانی بر جسته شده و مورد توجه قرار گیرد، اما تمسیح‌دانشان هست که اشاره کرد خود شکل گیری کالبد اقتصادی هم محاسبه گر است و برای هر چیزی چرکه‌که می‌داند. ما در این جریان نیاز به طبقه متوسط اجتماعی داشتیم که به جای محاسبه گری، بخشی از ملاحظات هست که اخیراً جامعه شناسانی قسم به جلو است ولی حرف این است که این کالبد بالایه‌های متفاوتی روپرداخت. همین ملاحظات هست که واژه طبقه متوسط دیگر سود مندی گذشتۀ راندارد.

● رنانی: در کوتاه مدت به واسطه ضعیف بودن طبقه متوسط واقعی آسیب خواهیم دید اما به نظر من همان طبقه متوسط اقتصادی هم وجودش به نفع کشور خواهد بود.

جلایپور: مشکل جامعه ما این است که رفتارهای ما در زندگی، نمی‌تواند تنها ابزاری باشد. جامعه قلب نامرئی می‌خواهد و این قلب نامرئی با کشش اخلاقی صورت می‌گیرد، یعنی شما کارهایی را برای دیگری انجام دهید و انتظار سود مادی هم نداشته باشید مثلاً کاری که مادرها یا کسانی به خاطر ارزش‌های مدنی و اخلاقی انجام می‌دهند. لذا ما باید از جامعه‌ای که عقلانیت ابزاری در آن مسلط شده به سمت جامعه‌ای متعالی تر، اخلاقی تر حرکت کنیم. براین اساس ما نیازمند یک کشش دگرخواهانه و ارزشی بلندمدت هستیم. (ظاهر اگر این اتفاق بیفتد ایران از جامعه مدرن بدقواره اشالله به یک جامعه خوش قواره تبدیل خواهد شد).

● دکتر رنانی مطرح کردند که همان طبقه متوسط اقتصادی می‌تواند در

نشده است. کما اینکه همین طبقه متوسط نیز در حال تخریب است؛ هر دو طبقه اقتصادی و فرهنگی در هنگام رشد، ابتدا طبقه متوسط اقتصادی ایجاد می‌شود و بعد بخشی از همین طبقه به متوسط فرهنگی هم تبدیل می‌شود اما در زمان تخریب؛ هر دو با هم تخریب می‌شوند.

بنابراین باز هم طبقه متوسط اجتماعی و فرهنگی باز نماید، زیرا زمانی که تخریب آغاز می‌شود این گروه کوچک سریعتر تخریب می‌شود. آنچه که در مسئله ثبت نام هدفمندی از طبقه متوسط منعکس شد آن بود که عملاً طبقه متوسط فرهنگی و اجتماعی بسیار ناچیز است و اگر بخشی و جزء دارد، تنها مربوط به طبقه متوسط اقتصادی است. طبقه متوسط اقتصادی هم محاسبه گر است و برای هر چیزی چرکه‌که می‌داند. ما در این جریان نیاز به طبقه متوسط اجتماعی داشتیم که به جای محاسبه گری، بخشی از مفافع خود را در گروه منافع جامعه ببیند. این طبقه متوسط فرهنگی اینگونه به مسائل نگاه می‌کند که مثلاً اگر هوا پاک باشد من هم سودم برم، اگر صداقت در جامعه باشد من هم سودمیرم. به عبارتی این هامولد سرمایه اجتماعی هستند. بنابراین می‌توان گفت که ما طبقه متوسط اقتصادی داریم اما عمل اقتصادی متوسط فرهنگی مان تحلیل رفته است.

نکته دیگر اینکه تمام اجزای طبقه متوسط، هم کارکرد مثبت دارند و هم کارکرد منفی، متشابه اگر طبقه متوسط خیلی آرام و تدریجی شکل پیگیرد کارکرد مثبت آن بروجه منفی اش غلبه می‌کند. بدون شک در عبور از سنت به مدرنیزم، یک هزینه‌هایی تحمیل می‌شود که کارکردهای منفی به حساب می‌آید. به عنوان مثال برای مدرن کردن خانه خود، آن را تخریب می‌کنیم در حالی که می‌شتابیم بازسازی باز هم در همان خانه زندگی کرد؛ مشابه اتفاقی که در تهران به کرات دارد اتفاق بلندمدت هستیم. آن کارکردهایی که ما برای توسعه می‌افتد. آن کارکردهایی که ما برای توسعه به دنبال آن هستیم و توسعه‌ای می‌خواهیم که حامل دموکراسی هم باشد، بیشتر در گروه گستردگی حضور طبقه متوسط فرهنگی است.

● با این نفاسیر دکتر رنانی وزن یا

حجم طبقه متوسط واقعی را بسیار